

رضا بهرامی، کارگردان نمایش «کریملوژی»
در گفت و گو با «ایران»

باید تولید اندیشه کنیم

از احسان زیور عالم

مکتب‌های غربی را مرور کنیم. اگر کمی درباره فرهنگ و تمدن خودمان مطالعه کنیم به این استدلال می‌رسیم که حرفی برای گفتن داریم.

بازی مجید رحمتی در تمام اجرای صورت گرفته به شدت مورد تشویق قرار گرفته است. بین تو و مجید برای این نقش چه گذشت؟
ما تقریباً بیست سال است همدیگر را می‌شناسیم. تجربه قبلی هم داشتیم و با هم چندین کار داشتیم. من با مجید و مهران بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۸۹ گروهی داشتیم و با هم کار می‌کردیم. گروه ما بعداً از هم پاشیده شد. من جسته و گریخته با مجید کار می‌کردم؛ ولی مهران دورتر از ما بود. مجید را این گونه می‌توانم

از شیوه‌های نمایش ایرانی بهره بردم. نقالی می‌کنم، شبیه‌خوانی می‌کنم، چاووش خوانی می‌کنم. الاغ سواری را به نوعی نشان می‌دهم. بقال بازی را به نوعی معرفی می‌کنم. آیین‌های نمایشی را بازنمایی می‌کنم. شلی را نشان می‌دهم و روی صحنه زن پوشی می‌کنم. اینها همگی جزو نمایش‌های ما هستند؛ اما بهره کامل نبرده‌ام. چون می‌خواستم یک تماس باشد. به نوعی خطی انداخته باشم و از آن رد شده باشم. نمی‌خواستم زیاد درگیرش شده باشم

خلاصه کنم که به شدت آدم باسواد و بااستعدادی است؛ اما به عنوان یک هنرمند بایستی چیزی که شخصاً خودم هم به او گفته‌ام رعایت کند. او چون دلش برای تئاتر می‌سوزد، بیش از حد خودش را خرج می‌کند. زمانی که قرار بود این کار را شروع کنیم، ابتدا به ساکن مهران رنجبر بازیگر نمایش بود. مهران اعلام کرد که به حضور در نمایش نمی‌رسد، مجید یکی از دوستان را معرفی کرد و چهره هم هست. من به مجید گفتم می‌خواهم خودش بازی کند. دلایلم را گفتم. گفتم تو بااستعدادی و نمایش ایرانی را هم خوب می‌شناسی و می‌توانی با ما کار کنی. روزی که تأیید را از مجید گرفتم و خواستیم کار کنیم، در حین گفت‌وگو درباره متن، به مجید گفتم می‌خواهم شما در طول نمایش چشمانت را چپ نگه داری. گفتم تصویری که از کریملوژی دارم تصورم این است که چشمان شخصیت چپ است. اگر به بازی سیاه‌ها در نمایش ایرانی دقت کرده باشید چپ بودن صورت و چشم و لب و دهان در بازی‌هایشان زیاد دیده می‌شود. گفت چالش خوبی است و استقبال کرد. وارد کار شدیم و من در ایده اولیه که از طراحی داشتم این طور بود که فضا باید قبرستان باشد. ما چهار ماه تمرین داشتیم که دو ماه به خوانش متن سپری شد. ما گپ می‌زدیم و بالا و پایین می‌کردیم. من اساس کریم را که پیر است برای مجید توضیح می‌دادم و اینکه چگونه قالب می‌شکند و به شخصیت دیگری تبدیل می‌شود. درباره مهندسی صدا و تفکیک‌ها حرف می‌زدیم. ارتباط من و مجید، با وجود بزرگتر بودن مجید، ارتباطی چون پدر و پسر بود. ما دو رفیق بودیم در این اجرا و خیلی جاها به مشکل خوردیم. این گونه نبود که در تمرین خیلی جدی پیش برویم و با رفاقت پیش رفتیم. این حجم انرژی خوب روی صحنه ناشی از تلاش ما در پشت‌صحنه بود که به یکدیگر انرژی مثبت بدهیم. خیلی همدیگر را به چالش کشیدیم. من و مجید مدام به هم ایده دادیم. من خیلی جاها را قیچی زدم که به فضای مناسبی برسم.

حضور چنین نمایشی در فجر کمی می‌تواند عجیب باشد. نمایشی که به سنت‌ها گره می‌خورد و تبعیدی به جشنواره دیگری است، این بار در فجر است و مملو از امید. چرا باید چنین نمایشی در فجر باشد؟

من با این مسأله مخالفم. از اینکه چون کریملوژی آیینی و سنتی باشد و حضورش در فجر مناسب نیست را موافق نیستم. اگر این کار باید در جشنواره‌ای باشد باید در فجر باشد نه آیینی و سنتی. فجر فستیوالی بزرگ‌تر و بازتری است که بین‌المللی‌تر است و ما می‌توانیم در این جشنواره نمایشی ایرانی در معرض دید قرار بدهیم. قرار نیست این تصور ایجاد شود که همواره غربی هستند یا برگرفته از متون غربی. ما از خودمان چیزهایی داریم و این ضعفی است که سال‌هاست با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم. اولین چیز در نمایش متن است و ما متن خوب متأسفانه نداریم. یا تفکر خوبی به عنوان نویسنده نداریم یا آن



گفت و گو با کارگردان

نویسندگان خوب هم از طرف مسئولان سانسور می‌شوند که دیگر چیزی برای ارائه ندارند. اگر مسئولان جشنواره فجر ترس و سانسور را کنار بگذارند، اگر متوجه شوند که ما نمایش تولید می‌کنیم نه کار سیاسی، جشنواره شکوفا می‌شود. نقد اجتماعی همیشه وجود دارد. از رأس دولت تا ذیل جامعه این حق را دارد که نقد اجتماعی داشته باشد. در این نقد تلنگر هم وجود دارد. به عنوان هنرمند در بخشی از کار باید تولید اندیشه و تفکر کنیم. پس تولید اندیشه جای نقد است. راهکار در این اثر وجود دارد و باید در این راهکارها گاهی یک سری از سدها برداشته شود. اگر رخ دهد اتفاقات خوشایندی برای جامعه است. مسئولان نباید ناخرسند باشند و احساس کنند که این حرکت ما سیاسی است. اگر قرار بود کار سیاسی کنیم که اینجا نمی‌ماندیم. در یک کشور دیگر فعالیت می‌کردیم. ما در بدترین شرایط بدترین حرف‌ها و تهمت‌ها را می‌شنویم؛ اما باز اجرا می‌رویم. اگر فجر به نمایش ایرانی، نه صرفاً آثار آیینی و سنتی بپردازد، به امثال آثار آقایان ساعدی و بیضایی و کیانی فرصت دهد تا توسط جوانان کار شود و آن خط فکری را ادامه دهند. شکوفا می‌شود. این متون از جامعه و اجتماع ما برآمده است. جامعه ما معضل دارد و ما به عنوان هنرمند بایستی به آنها بپردازیم. بهترین ویتترین برای نشان دادن هم فجر است.

آینده جشنواره فجر را چگونه می‌بینی؟

درباره آینده فجر باید بگویم ما همه امید داریم و به امید زنده‌ایم. ما نیاز به این امید داریم. امیدوارم هر ثانیه که می‌گذرد اتفاقات خوبی برایمان پدید آید و برای فجر هم چنین آرزویی دارم ولی همه مستلزم این است که سیاستگذاران جشنواره فجر یک چیز را فراموش نکنند. جشنواره فجر ویتترین است که بسیاری روی آن زوم هستند. زمانی این ویتترین به چشم می‌آید که آثار چیده شده در آن درست باشند. آثار درست به کدام آثار اطلاق می‌شود؟ منظورم آثاری است که در آن مشکلات جامعه ما، ایجاد تفکر و انگیزه و امید در آن وجود داشته باشد. باید فکر به درستی بازتاب یابد. باید بتوانی برای جامعه‌ای که خسته است، امید ندارد، آمار فقر، بیکاری و طلاق در آن افزایش یافته است، انگیزه بیافرینی. این نیست که چند میلیارد بگذاری و بگویی جشنواره‌ای برگزار شد. باید برای آن چند میلیارد فکر داشته باشی و تولید فکر کنی. اگر نهایتاً در این جشنواره پنج میلیون مخاطب وجود داشته باشد، اگر شما بتوانی یک نفر از این جمعیت را از راه کج به راه راست هدایت کنی، آنجا اتفاق خوبی رخ داده است. یعنی چیدمان ویتترین شما درست بوده است. امیدوارم آینده فجر به این سو برود. ایده‌آل ما هنرمندان این است. می‌خواهیم حرفمان را راحت بزنیم. بگذارید با جامعه راحت‌تر حرف بزنیم. کجا بهتر از صحنه تئاتر می‌تواند چنین اتفاقی رخ دهد؟ باید هزینه گزافی صرف کنید تا با یک روانشناس صحبت کنید؟ اگر اجازه دهند در فضای تئاتر حرفمان را بزنیم، مخاطب ما را نگاه می‌کند، نگاه کردن آنان را به چند حس ناخودآگاه سوق می‌دهیم. گاهی تهاجمی می‌شوند و می‌خواهند ما را بزنند. گاهی اوقات تفنن است و می‌خندند و این خوب است. امیدوارم آینده فجر به سمتی برود که ما با مردم و مردم با ما حرف بزنند.

به نظرت فجر به نقطه ایده‌آل تو می‌رسد؟

اگر مسئولان و افراد در رأس، قوانین درستی برای جشنواره داشته باشند، می‌توانیم نمایش‌های خوبی را در جشنواره فجر در قالب نمایش ایرانی داشته باشیم.

باتوجه به فعالیت‌های بیرون مرزی تو، آیا در فکر همکاری مشترک با گروه‌های خارجی هستی؟

واقعاً دوست دارم این کار در خارج از ایران اجرا داشته باشد؛ ولی با شرایط امروز جامعه که همه چیز تحریم می‌شود و این تحریم از بیرون تحمیل می‌شود، امید خوبی ندارم. امیدوارم در بازار تئاتر که کار ارائه می‌شود، اتفاقات خوبی برایمان رخ دهد. دوست دارم قالب‌های نمایش ایرانی و شخصیت کریم شیرهای را به دیگران معرفی کنیم. ■